

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: سرخیو رودریگز گلفشتاین  
برگردان: جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختری  
۲۱ دسمبر ۲۰۲۴

## سوریه، پرسش‌های بسیار و پاسخ‌های اندک، توافقی‌ها و پیمان شکنی‌ها



مهم‌ترین قطعیتی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که این رخداد، پیامدهای منفی برای سوریه، منطقه و جهان خواهد داشت. هرگز پیش از این، نظام سرمایه‌داری تا این حد آشکار ماهیت واقعی خود و چشم‌اندازش برای آینده بشریت را نشان نداده بود.

باید اعتراف کنم که در ۴۴ سال فعالیت در حوزه روابط بین‌الملل، هرگز با مسأله‌ای به این پیچیدگی مواجه نشده‌ام که مطالعه و درک آن به اندازه وقایع اخیر در سوریه دشوار باشد. من از منابع متعددی در منطقه مشورت گرفته‌ام، اما هیچ‌گاه شاهد چنین تفاوت‌ها و حتی تناقض‌هایی در دیدگاه‌های افرادی نبوده‌ام که معمولاً در تحلیل مسائل به توافق می‌رسند.

برایم شگفت‌آور است که برخی از همکاران، همان یکشنبه ۸ دسمبر، یعنی روزی که این وقایع به اوج خود رسید، دیدگاه‌های کاملاً قطعی درباره آنچه رخ داده، در حال رخ دادن است و در آینده رخ خواهد داد، ارائه کردند. گمان می‌کنم آن‌ها به منابع اطلاعاتی و توانایی درکی دسترسی دارند که -باید اعتراف کنم- من ندارم. شاید به دلیل تأثیرپذیری از فلسفه چینی، صبر و احتیاط را در خود پرورش داده‌ام. همیشه به یاد دارم که زمانی، در

مصاحبه‌ای در قرن گذشته، از چوئن‌لای، رهبر چین، نظرش را درباره انقلاب فرانسه پرسیدند و او پاسخ داد که هنوز برای قضاوت زود است. هرچند بعدها مشخص شد که او در واقع به وقایع «می ۱۹۶۸ فرانسه» اشاره داشته است، اما پاسخ او به عنوان الگویی از تعمق و سنجیدگی در تحلیل رویدادهای تاریخی به یاد مانده است.

به‌ویژه در رویدادی مانند این که بازیگران مختلف و متضادی در آن مشارکت دارند و هر کدام اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند و این اهداف نیز خود باعث ایجاد متغیرهای بسیاری شده‌اند، داشتن دیدگاهی قطعی درباره گذشته، حال و آینده‌ای که این رخداد ایجاد خواهد کرد، برایم بسیار دشوار است، به‌ویژه زمانی که تنها سه روز از وقوع این رویداد تکان‌دهنده در صحنه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی گذشته است.

امروز، به نظر می‌رسد که قطعیت‌ها بسیار اندک و ابهامات فراوان هستند. تلاش خواهیم کرد این مسائل را مطرح کنم تا هر کس بتواند نتیجه‌گیری خود را داشته باشد.

### **پیامدهای منفی برای سوریه، منطقه و جهان**

این واقعه، بی‌شک، برای سوریه، منطقه و جهان منفی است. اگر این رخداد را در کنار اقدامات «اسرائیل» از ۷ اکتوبر سال گذشته و واکنش غرب به آن قرار دهیم، می‌توانیم به وضوح به فروپاشی اخلاقی و انسانی آن‌ها پی ببریم. هیچ‌گاه مانند امروز، نظام سرمایه‌داری با چنین شفافیتی ماهیت واقعی و پیشنهاد خود برای آینده بشریت را نشان نداده بود. این که افرادی چون بنیامین نتانیا هو، قاتل بیش از ۱۷ هزار کودک، و «جلاد» ابومحمد الجولانی، رهبر النصره، به عنوان نمادهای دموکراسی و آزادی معرفی شوند، نشان می‌دهد که قصد دارند جهان را به چه سمتی هدایت کنند. به طور خاص، ونزوئلایی‌ها باید توجه کنند که اپوزیسیون تروریستی و رهبر آن، ماریا کورینا ماچادو، هر دو این وقایع را به عنوان الگویی برای مسیری که برای ونزوئلا آرزو دارند، مورد تحسین قرار داده‌اند.

### **عادی‌سازی تروریست‌ها توسط ایالات متحده و سازمان ملل متحد**

ایالات متحده و حتی سازمان ملل روند «عادی‌سازی» تروریست‌ها را آغاز کرده‌اند. اکنون تروریست‌های بد (داعش) و خوب (القاعده) وجود دارند. ما پیش‌تر این وضعیت را در افغانستان تجربه کردیم، زمانی که خود آن‌ها القاعده را برای مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی ایجاد کردند و سپس وارد جنگی ۲۰ ساله شدند که در نهایت در آن شکست خوردند.

### **پرسش‌هایی بی‌پاسخ درباره سقوط رژیم بشار اسد**

برخی منابع در منطقه تأکید می‌کنند که پرسش‌ها بیش از پاسخ‌ها هستند. آن‌ها اشاره دارند که سوریه و بحران سوریه، باری بر دوش محور مقاومت بودند. این بحران تنها در سطح لجستیکی برای محور مقاومت مفید بود. بنابراین، ادعای این که سقوط اسد باعث نابودی مقاومت شده است، آرزو یا اغراق منابع غربی و پادشاهی‌های سنی است. برای ایران، حمایت از سوریه به معنای صرف ماهیانه بیش از ۷۰۰ میلیون دالر بود که صرف پرداخت حقوق و خدمات در این کشور می‌شد (بیش از ۸ میلیارد دالر سالانه)، که اکنون می‌تواند برای اهداف دیگر به کار گرفته شود.

با این حال، این پرسش‌ها همچنان باقی می‌مانند: چرا رژیم بشار اسد سقوط کرد؟ چه چیزی در آینده خواهد آمد؟ چرا این سقوط به این سرعت رخ داد؟ چرا ایران برای نجات اسد مداخله نکرد؟ چرا روسیه نیز اقدامی نکرد؟ چرا نیروهای بسیج مردمی عراق وارد عمل نشدند؟ آیا ایران اسد را فروخت؟

### علت سقوط سریع رژیم بشار اسد

علت این سقوط سریع این بود که ارتش سوریه در هیچ‌یک از نبردهای روزهای پایانی مقاومت نکرد و براحتی عقب‌نشینی کرد، نشان داد که اراده‌ای برای جنگیدن ندارد. شاید کسی بگوید که مخالفان توسط ترکیه، «اسرائیل» و ایالات متحده با انواع مختلفی از سلاح‌ها حمایت می‌شدند. این درست است، اما ارتش سوریه می‌توانست حداقل در هر جبهه چند روز مقاومت کند. با این حال، مشخص شد که ارتش هیچ تمایلی به دفاع از شهرها ندارد و توجهی به آنچه در حال وقوع است، نمی‌کند. این دلیل اصلی این فروپاشی سریع بود.

### چرا ایران، روسیه و بسیج مردمی مداخله نکردند؟

ایران آماده نجات رژیم بود و اعلام کرد که نیروهائی برای حمایت از اسد اعزام می‌کند. سایر سازمان‌ها مانند بسیج مردمی عراق و دیگر گروه‌های مقاومت نیز آمادگی داشتند، اما نمی‌توان در کشوری جنگید که صاحبان آن مایل به دفاع از خود نیستند. ایران نمی‌توانست جایگزینی برای ارتش سوریه باشد. این کشور تنها یک متحد حمایتی بود که نمی‌توانست جای صاحبان اصلی کشور را بگیرد.

اتفاقی مشابه در سوریه برای روسیه هم رخ داد. این کشور نمی‌توانست بجنگد اگر عناصر رژیم سوریه آمادگی دفاع از خود را نداشتند. اما چرا همه این وقایع رخ داد؟ بشار اسد در سال‌های پس از شکست گروه‌های مسلح مخالف در سال ۲۰۱۸، محاسبات اشتباهی انجام داد. او نتوانست آشتی ملی را محقق کند، اقدامات امنیتی سخت‌گیرانه را کاهش نداد و از دوران آرامش برای تقویت حکومت خود استفاده نکرد. به همین دلیل، مردم سوریه تمایلی به دفاع از او نداشتند.

### آینده سوریه چه خواهد شد؟

طی چند روز آینده، اوضاع آرام خواهد بود، اما پس از آن هرچ‌ومرج ایجاد خواهد شد. از آنجا که گروه‌های تروریستی بخشی از نیروئی بودند که رژیم را سرنگون کردند، تلاش خواهند کرد تا برنامه‌های خود را بر اوضاع حاکم کنند. این امر به درگیری‌های خونین منجر خواهد شد و احتمال تقسیم سوریه به مناطق سنی، کرد و علوی بر اساس موقعیت جغرافیائی افزایش می‌یابد.

کشورهای منطقه و حتی فراتر از آن تلاش خواهند کرد تا مانع از این تقسیم شوند، زیرا خطر تقویت تروریست‌ها را درک می‌کنند. تهدید برای آسیای غربی و اروپا قریب‌الوقوع است، به‌ویژه در مورد کشورهایمانند اردن و عراق. انتظار می‌رود که همگان برای حذف این گروه‌های تروریستی تلاش کنند. با این حال، سوریه ممکن است با یک چرخه طولانی خشونت مواجه شود، مشابه آنچه پس از سقوط رژیم صدام حسین در عراق رخ داد. اگر نیروهای عقلانی میان گروه‌هایی که قدرت را به دست گرفته‌اند حضور نداشته باشند (و چنین نیروهائی در میان گروه‌های مسلط فعلی وجود ندارند)، و اگر نتوانند گفتگویی ملی ارائه دهند که همه گروه‌ها را آرام کند - که بعید به نظر می‌رسد - سوریه به سمت یک دوره تاریک پیش خواهد رفت که ممکن است سال‌ها به طول بیانجامد.

### توافق هفت‌گانه برای انتقال قدرت

یک منبع آگاه فاش کرد که توافقی هفت‌بندی وجود داشت که بشار اسد را ملزم می‌کرد بدون هیچ مقاومتی دمشق را ترک کند. طی ۷۲ ساعت پیش از بامداد ۸ دسمبر، جلسات محرمانه‌ای در سه پایتخت عربی برگزار شد که پایه‌گذار این توافق به حمایت چند کشور بود.

رژیم به مرحله‌ای از ضعف در کنترل کشور رسیده بود که به‌ویژه پس از سقوط‌های مکرر در حلب، حماه و حمص آشکار شد. این امر منجر به توافقی شد - با رضایت اسد - که پایان رژیم را به شکلی «کمتر تراژیک» رقم بزند و از یک حمام خون گسترده جلوگیری کند؛ حمام خونی که می‌توانست پیامدهای عمیقی برای کل منطقه داشته باشد. مذاکرات میان روسیه، ایران، ترکیه، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، مصر و قطر صورت گرفت که به توافق نهایی انجامید. طبق این توافق، قرار بود قدرت در روز سه‌شنبه ۱۰ دسامبر به مخالفان منتقل شود. اما این امر به دلیل خیانت پادشاهی‌های عربی و ترکیه محقق نشد. آن‌ها با آگاهی از ضعف اسد، دستور یک حمله شدید را صادر کردند که ارتش سوریه را غافلگیر کرد و منجر به عملکرد نامنظم نیروهای نظامی شد. این امر باعث شد رئیس‌جمهور سه روز پیش از تاریخ توافق‌شده در دوحه، قدرت را ترک کند. گفتنی است که این مذاکرات تحت نظارت روسیه و ایالات متحده انجام شد. از همین‌جا شایعه توافق میان پوتین و ترمپ منتشر شد، شایعه‌ای که حداقل به طور رسمی هیچ‌گونه اساسی ندارد.

### مهمترین بندهای توافق:

- (۱) تضمین خروج امن بشار اسد، خانواده‌اش و ستون‌های اصلی حکومت او به ابوظبی.
  - (۲) جلوگیری از آسیب به اماکن مذهبی مقدس یا اقلیت‌های دینی و مذهبی.
  - (۳) حفظ نهادهای دولتی؛ نخست‌وزیر سوریه به مدیریت دولت با وزرا ادامه می‌دهد و ترکیه ضامن این امر خواهد بود.
  - (۴) جلوگیری از پاک‌سازی‌های قومی، شورش‌ها یا غارت‌ها و حفظ ارتش.
  - (۵) ارائه تضمین‌هایی برای جلوگیری از هرگونه تهدید که کشورهای همسایه را تحت تأثیر قرار دهد.
- به عبارت دیگر، قرار شد بشار اسد تحت یک توافق سیاسی برای جلوگیری از حمله به دمشق کشور را ترک کند و به یک کشور عربی برود. لازم به ذکر است که تمام پایتخت‌های منطقه از زمان دقیق فروپاشی رژیم اطلاع داشتند. این توافق برای سرنگونی اسد به عنوان «بهترین راه حل» در نظر گرفته شد تا از سقوط سوریه به یک جنگ بی‌پایان که ممکن بود این کشور را وارد بن‌بست‌های پیچیده کند، جلوگیری شود. گفتنی است که واشنگتن نیز با این «راه حل» موافقت داشت و بر برخی از طرف‌های داخلی و خارجی فشار آورد تا آن‌ها را اجراء کنند.

### انتقال قدرت و آینده سوریه

این تصمیم به نخست‌وزیر سوریه، محمد الجلالی، منتقل شد. او اعلام کرد که انتظار دارد یک دوره جدید آغاز شود و آماده هرگونه اقدام در شورای وزیران خواهد بود.

شورای ملی دولت انتقالی سوریه، بیانیه شماره یک خود را صادر کرد که در آن تعهد خود به ساخت یک «کشور آزاد، عادل و دموکراتیک» اعلام کرد؛ کشوری که در آن همه شهروندان بدون تبعیض برابر باشند.

اپوزیسیونی که اکنون دولت را در اختیار گرفته است، به‌عنوان جایگزینی برای تروریست‌ها در اداره حکومت شرکت خواهد کرد. وحدت و حاکمیت سوریه و همچنین حفاظت از شهروندان، فارغ از وابستگی‌های آنان، تضمین خواهد شد. تلاش‌ها برای بازسازی کشور و نهادهای آن بر پایه آزادی و عدالت متمرکز خواهد بود و برنامه‌هایی برای بازگرداندن آوارگان به خانه‌هایشان در شرایطی امن و با کرامت در نظر گرفته شده است.

هیچ‌کدام از این سناریوها تحقق نیافت و این تروریست‌ها بودند که با حمایت پادشاهی‌های عربی، ترکیه، ایالات متحده و «اسرائیل» قدرت را به دست گرفتند. سناریوی واقعی که از ۸ دسامبر پدیدار شد، نشان‌دهنده آشفتگی کامل «اسرائیل»

در پی نابودی دولت سوریه است. باید دید که این رژیم صهیونیستی تا چه زمانی قادر به حفظ این تلاش جنگ‌طلبانه جدید خواهد بود.

به وضوح مشخص است که ارتش اسرائیل، پس از به پایان رساندن مأموریت خود برای نابودی زیرساخت‌ها و تسلیحات نیروهای مسلح سوریه، به هدف ستراتیژیک دیگر خود بازمی‌گردد: نابودی فلسطین و لبنان. هرچند نتانیاها و الجولانی در نبرد علیه اسد متحد بودند، اما با کنار رفتن اسد، باید دید روابط آن‌ها چه مسیری را در پیش خواهد گرفت.

### تحولات اخیر و ابهامات آینده

طی سه روز اخیر، برخی رویدادهایی به وقوع پیوسته که همچنان باید تحت نظر قرار گیرند، زیرا نتایج نهایی آن‌ها هنوز مشخص نیست:

(۱) مذاکرات روسیه بر سر پایگاه‌های ستراتیژیک خود در سوریه

روسیه در حال مذاکره برای حفظ دو پایگاه حیاتی خود در سوریه است – یکی پایگاه بحری و دیگری پایگاه هوایی – که برای استقرار در مدیترانه و دفاع ستراتیژیک در جناح جنوبی حیاتی هستند. روسیه در حال حاضر با تمامی نیروهای حاضر در حکومت جدید در ارتباط و مذاکره است.

(۲) اختلافات میان گروه‌های مسلح حاکم

بین گروه‌های مسلحی که قدرت را به دست گرفته‌اند، تناقضات آشکاری وجود دارد. علاوه بر مخالفان قدیمی سوریه، گروه‌هایی که در سرنگونی اسد شرکت داشتند شامل ارتش ملی سوریه (SNA) تحت حمایت ترکیه، کردهای مخالف ترکیه که توسط ایالات متحده حمایت می‌شوند و در قالب نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) سازمان یافته‌اند، و هیأت تحریر الشام (HTS) وابسته به القاعده هستند. این گروه‌ها، که اکنون قدرت را در دست دارند، دشمنان یکدیگرند و به زودی با داعش نیز روبه‌رو خواهند شد؛ گروهی که در ائتلاف ضد اسد شرکت نداشت.

(۳) روابط ایران با حکومت جدید

ایران نیز در حال مذاکره با دولت جدید است تا چارچوب روابط خود را مشخص کند. شایعاتی مبنی بر حمله و آتش‌سوزی در سفارت ایران در دمشق صحت ندارد. سفارت ایران اکنون فعال است و وظایف دیپلماتیک و کنسولی خود را انجام می‌دهد.

(۴) روابط دولت جدید سوریه با «اسرائیل»

باید دید که حکومت جدید چگونه روابط خود را با «اسرائیل» مدیریت می‌کند، کشوری که نیروی نظامی و زیرساخت‌های سوریه را به کلی نابود کرده و بخشی از خاک این کشور را نیز با حمایت ایالات متحده اشغال کرده است.

### پیامدها برای متحدان سوریه

برای متحدان سوریه، سقوط دولت اسد یک شکست دردناک سیاسی و ژئوپلیتیکی بود. اما فرض این که این شکست به تضعیف ستراتیژیک آن‌ها منجر شده است، نادرست است. روسیه اکنون توانسته است بخش زیادی از تسلیحات، هواپیماها و افسران ارشد خود را که در جنگ علیه تروریسم درگیر بودند، آزاد کند. این منابع می‌توانند برای پایان موفقیت‌آمیز درگیری‌ها در اوکراین مورد استفاده قرار گیرند.

## دشواری‌های پیش روی حکومت جدید سوریه

حکومت جدید سوریه با تهدیدهای متعددی مواجه است:

تهدید «اسرائیل» از جنوب.

تهدید نیروهای طرفدار ترکیه (SNA) از شمال غرب.

تهدید کردها که از حمایت ایالات متحده برخوردارند و اکنون تمام چاه‌های نفت کشور را تحت کنترل خود دارند. تهدید شورش داعش.

احتمال دارد که الجولانی، برای مقابله با این تهدیدات متعدد، ناچار به همکاری با روسیه و ایران شود. [به نظر می‌رسد تحلیلگر اینجا دچار سرگیجگی عمیقی شده است که اصلاً برای الجولانی ظرفیت تصمیم‌گیری مستقل را قائل می‌شود - مترجم]

## مسائل با ترکیه و کردها

الجولانی باید با ترکیه درباره اشغال سرزمین‌های سوریه توسط ارتش اردوغان مذاکره کند. همچنین او باید با رهبر ترکیه درباره نحوه مدیریت مسئله کردهائی که تحت حمایت ایالات متحده هستند و هدف نابودی ترکیه قرار دارند، گفتگو کند.

## اهداف ایالات متحده: بازطراحی خاورمیانه

ایالات متحده به تلاش خود برای تخریب دولت‌های ملی و طراحی یک «نقشه جدید خاورمیانه» ادامه خواهد داد. این هدف که در دوره ریاست‌جمهوری جرج بوش ترسیم شد و به طور مکررانه توسط کاندولیزا رایس تدوین گردید، طی ۲۵ سال گذشته هم توسط جمهوری‌خواهان و هم دموکرات‌ها دنبال شده است. این نقشه به دنبال حذف دولت‌ملت‌ها و ایجاد مناطقی ضعیف، فرقه‌ئی و درگیر نزاع دائمی با همسایگان است. این طرح همان چیزی است که ساموئل هانتینگتون از آن به عنوان «جنگ تمدن‌ها» یاد کرده بود. این نقشه در لیبیا و عراق به اجرا درآمد و اکنون در سوریه و لبنان، که ۵۰ سال است درگیر این طرح هستند، دنبال می‌شود.

هدف نهائی ایالات متحده ایجاد یک دولت کرد مستقل است، دولتی که مانند یک «اسرائیل» جدید در منطقه عمل کند، با این تفاوت که این دولت بر سرزمینی غنی از نفت قرار خواهد داشت. در واقع، اشغال چاه‌های نفت سوریه توسط کردها، تضمین‌کننده تأمین انرژی پایدار برای «اسرائیل» خواهد بود.

## گاز قطر و مسیرهای جدید تأمین انرژی

از سوی دیگر، سقوط رژیم اسد امکان اجرای پروژه خط لوله گاز قطر را فراهم می‌کند. این خط لوله، از طریق عربستان سعودی و سوریه به ترکیه و سپس به اروپا خواهد رسید و به این ترتیب یک جایگزین مهم برای تأمین انرژی اروپا فراهم می‌کند. این مسیر، اروپا را از نیاز به عبور انرژی از خلیج فارس، بحیره سرخ و کانال سوئز بی‌نیاز خواهد کرد. همچنین این خط لوله، گزینه‌ای برای کاهش وابستگی به گاز روسیه خواهد بود.

۱۸ دسامبر ۲۰۲۴